

فهرست

پیشگفتار ۱۱

بخش اول: کلیدهای متصل ماندن به خداوند..... ۱۵

کلید #۱ اول چشم‌انتظار موهبت‌های خداوند باش ۲۱

کلید #۲ دوم خداوند را اولویت اول زندگی خود قرار بده ۲۹

کلید #۳ سوم تجربه‌های مسمی را دور بریز ۳۷

کلید #۴ چهارم خود را پیروز بدان ۴۵

کلید #۵ پنجم از رؤیای خود صیانت کن ۵۳

کلید #۶ ششم از قدرت عبارت «من هستم» استفاده کن ۶۳

کلید #۷ هفتم طعام خویش را به‌دقت انتخاب کن ۷۱

کلید #۸ هشتم تمام موانع کمال را برطرف کن..... ۷۹

بخش دوم: استانداردی جدید تعیین کن..... ۸۵

بخش سوم: قدرت کلام خداوند..... ۱۱۷

پیوست اول شروع کن و نا یاد خدا گام بردار ۱۲۱

پیوست دوم خداوند برای تمام بیارهایت پاسخی دارد ۱۲۵

پیوست سوم روایاتی برای مدیریت کردن افکار رورمره ۱۷۶

پیوست چهارم بیابش‌هایی درباره قدرت کلام ما.. ۱۸۰

پیوست پنجم اقرارهای مثبت روانه ۱۸۴

دعای رستگاری ۱۸۷

گام بعدی ۱۸۹

کلید #اول

چشم‌انتظار موهبت‌های خداوند باش

درست همان‌گونه که حورشید گرم‌پراکی می‌کند، خداوند بپیر انوار الطاف خویش را می‌پراکند این‌طور بیست که خداوند کاری را از سر عادت یا تصادفی انجام بدهد، ماهیت وجود او چنین است دات پروردگار بیکی محص است تشخیص دادن موهبت‌های خداوند امری مهم است کتاب مقدس می‌گوید تمام موهبت‌های خوب از سوی پروردگار ماست، تمام موهبت‌های بزرگ و کوچک

خداوند بارها و بارها، در زندگی ما میانجیگری کرده، مراقب ما بوده و شفایمان داده است اما موهبت‌های او را تشخیص نمی‌دهیم آن‌ها را تصمیم‌شده‌پیدار تصادفی بود که همسرت را دیدی و عاشقت شدی خداوند قدم‌هایت را هدایت می‌کرد شعل خود را شاسی به دست بیاورده‌ای دست رحمت پروردگار بوده است اینکه فرربدانت قوی و سالم‌اند فقط به خاطر

حوش اقلالی تو بیست، خداوند به تو لطف کرده است ناید تمام طول روز بگویی حدایا نانت این موهبت‌ها ار تو متشکرم برای سلامتی‌ام ار تو سپاس‌گزارم برای همسرم ار تو مومنم برای شرایط و موقعیت‌های حویم ار تو متشکرم تو ناید چشم‌انتظار موهبت‌های خداوند ناشی طرر فکر ما ناید چسین ناشد *امروزی صبرانه منتظرم تا سبیم خدا برایم چه می‌کند* هر اتفاق حوی که رح داد بی‌درنگ ار خداوند سپاس‌گراری کن شاید رویدادی کوچک باشد، شاید یک‌مرتبه ایده‌ای خوب به دهنه رسیده است بی‌درنگ بگو «پروردگارا نانت این ایده ار تو متشکرم، می‌دانم ار طرف تو به دهنه حطور کرده است» یکی ار پروژه‌های کاری‌ات را سریع‌تر و ساده‌تر ار آنچه گمان می‌کردی انجام دادی، بی‌درنگ بگو «پروردگارا متشکرم که لطف خود را شامل این پروژه کردی» خداوند دائم مشغول است الطاف خود را به ما نشان می‌دهد، اما بسیاری ار اوقات ما آن را تشخیص نمی‌دهیم ما منتظر اتفاقاتی بزرگ و ویژه هستیم



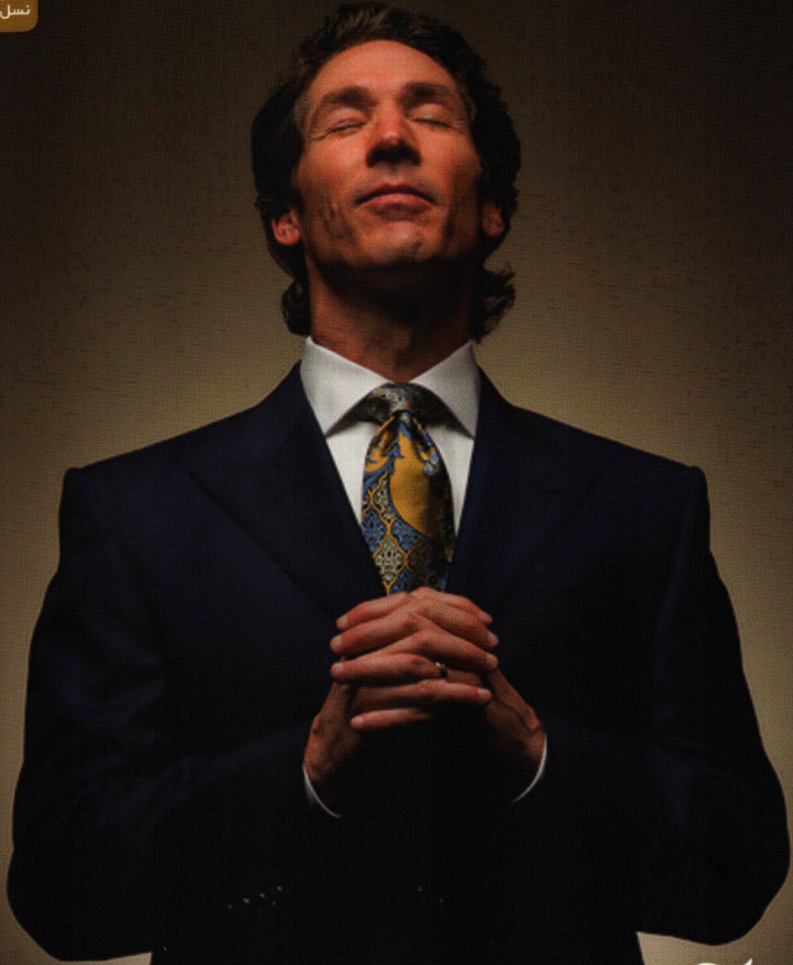
تمام موهبت‌های
خوب ار سوی
پروردگار ماست،
تمام موهبت‌های
بزرگ و کوچک.

هرگاه اتفاق حوی رح می‌دهد، ار خداوند سپاس‌گراری می‌کنم وقتی لطف او را به چشم می‌بینم می‌گویم «پروردگارا سپاس‌گزارم» وقتی به من یادآوری می‌کند تا کاری را انجام بدهم، می‌گویم «خدایا متشکرم» وقتی کسی در بررگراه حای خود را به من می‌دهد، می‌گویم «پروردگارا مومنم» وقتی دمای شهر هیوستون زیر ۱۰۰ می‌آید، می‌گویم «خدایا شکر» وقتی ار من مراقبت می‌کند و موفق می‌شوم، ار او

سپاس‌گراری می‌کنم من دربارهٔ زندگی کردن با شیوهٔ سپاس‌گراری و قدردانی صحت می‌کنم خداوند به کسانی برکت می‌دهد که دیدگاهی قدرشناسانه دارند

وقتی اتفاق حوی رح می‌دهد، حضور خداوند را احساس می‌کنی حتماً ار او تشکر کن حتماً به خاطر آن نعمت ار او سپاس‌گزار باش شاید نمی‌دانی که خداوند در زندگی تو چه کارهایی می‌کند، اما او دائم برکت‌های حویش را به ما نشان می‌دهد سؤال من این است آیا آن‌ها را تشخیص می‌دهی؟ این هفته به اطراف خود نگاه کن هشیارتر باش در کتاب مقدس آمده است «ای آدم، نعمت‌های پروردگارت را بسح تا بسبی چقدر بیک است» اگر می‌خواهی بیکی‌های خداوند را بیارمایی ناید بدانی تمام اتفاقات حوی که رح داده‌اند، هر بار که تحت حمایت بودی، هر دری که گشوده شد و هر مریتی که به دست آوردی، به خاطر حضور خداوند در زندگی‌ات بوده است آن‌ها را تصمیم‌شده بیدار داستان مردی را شنیدم که به سمت پارکیگ شلوعی راسدگی می‌کرد و سعی داشت یک حای پارک حالی پیدا کند او همین‌طور می‌چرخید و می‌چرخید به شدت ناامید شد و سرانجام گفت «خدایا اگر یک حای پارک به من بدهی، هر یکشسه به کلیسا می‌روم» همان لحظه بی‌درنگ یک خودروی دیگر دنده عقب گرفت و این مرد درحالی که خودروی خود را پارک می‌کرد، گفت «خدایا، این موضوع را رها کن خودم پیدا کردم» ما اکثر اوقات همین‌گونه برحورد می‌کنیم حیر و برکت‌هایی را که ار سوی خدا هستند، ار خاطر می‌بریم

شخصیت جدید تو هر روز صبح شکل می گیرد



آغازی دوباره

جوئل اوستین | افسانه مقدم